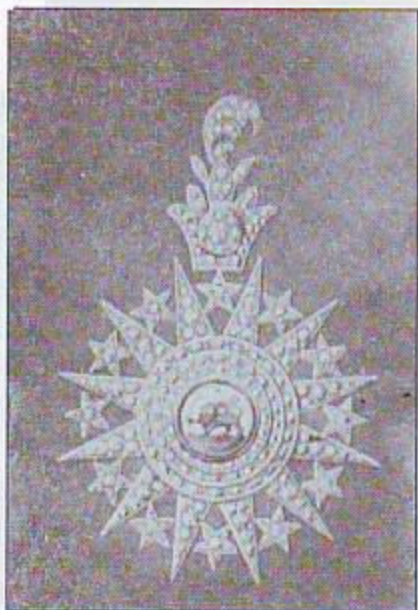




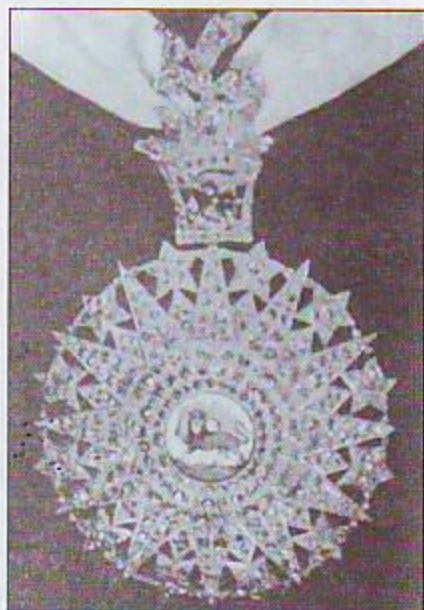
شکل ۲۰۶. نشان تمثال ناصرالدین شاه



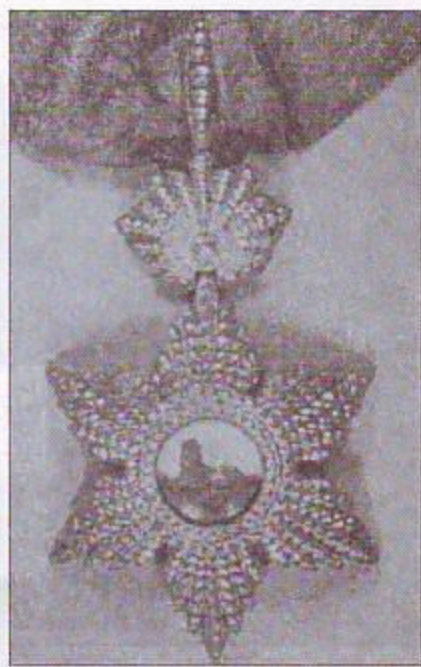
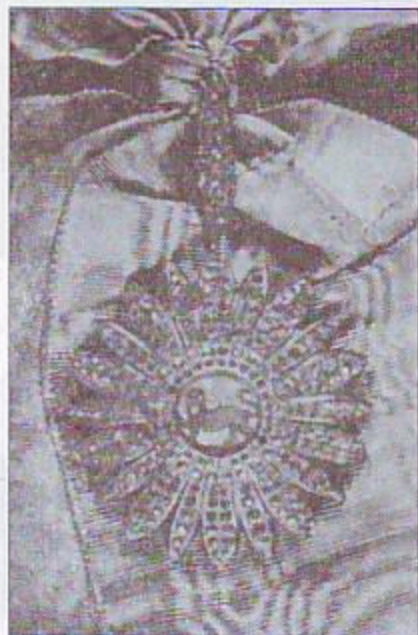
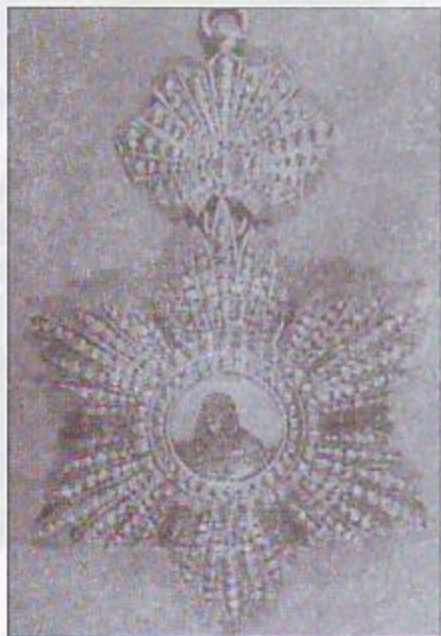
شکل ۲۰۵. نشان تمثال محمد شاه



شکل ۲۰۸. نشان اقدس برای صدراعظم‌ها و رجال مملکت



شکل ۲۰۷. نشان اقدس که به سلاطین داده می‌شد



شکل ۲۰۹- انواع نشان‌های شیر و خورشید



شکل ۲۱۰. نشان تمثال مظفرالدین شاه



شکل ۲۱۱. نشان رشادت (محمدعلی شاه)



شکل ۲۱۲- نشان بهیاران مجلس



شکل ۲۱۳- نشان طلا (احمد شاه)



شکل ۲۱۴- نشان مشروطیت

ابن عبری - درباره نقش شیر و خورشید که روی سکه‌های غیاث‌الدین کیخسرو وجود دارد، چنین نوشته است.

«کیخسرو شیدای رخسار دل آرای شاهزاده گرجی گردید، دل و دین و تاب و توان از دست داد و به فرمان عشق خواست روی درهم و دینار را با نقش آن رخسار دل آرا بیاراید. نزدیکان کیخسرو به پاس اسلام، رای به این کار نمی‌دادند ولی چون او پافشاری داشت چنین تدبیر اندیشیدند، که صورت شیرینی نگاشته و روی همچون خورشید آن شاهزاده گرجی همچون خورشیدی بر فراز آن بنگارند که هم دلخواه کیخسرو انجام گرفته و هم مردم پی به حقیقت کار نبرده و چنین پندارند که مقصود، نقش صورت طالع پادشاه است.»

قدیمترین سکه‌ای که با شیر و خورشید به دست آمده سکه‌هایی است، از غیاث‌الدین کیخسرو که نوشته ابن عبری را تأیید می‌کند.

در روی سکه‌هایی که از سلطان الجایتو به دست آمده، نقش شیر پشت خورشید قرار دارد و معلوم است که این تصویر یک شکل نجومی است.

پروفیسور پوپ می‌نویسد: «خورشید در برج اسد یک شکل مهم نجومی بوده و همین امر است که هم از نظر معنی و هم از نظر شکل، موجب پذیرفتن آن به صورت نشان پادشاهان شده است.» شیر و خورشید در عصر صفویه یک علامت رسمی بوده است و هربرت در این باره چنین می‌نویسد: «... یک شیر خوابیده، خورشید زرین در حال طلوع روی مدالهای برنجی ضرب می‌شده است.» شاردن درباره نقش شیر و خورشید در دوره صفویه چنین می‌نویسد.

«بیرقهای آنها نوک باریک است و به همه رنگ‌ها با پارچه‌های قیمتی ساخته می‌شود، روی این بیرق‌ها، یا آیه‌ای از قرآن می‌نویسند و یا تصویر ذوالفقار علی و یا یک شیری که خورشید طالع بر پشت دارد، نقش می‌کنند و یکی از مهمترین مشاغل دولتی در ایران شغل علمدارباشی است.»

شاه طهماسب شیر و خورشید را نقش طالع پادشاهی می‌دانست و چون طالع خودش در برج حمل بود از این جهت در سکه‌های مینی که ~~طالع پادشاهی~~ داشت، خورشید بر پشت بره روی سکه‌ها ضرب شده است.

در بالای تصویری از حسین علی بیگ، سفیر شاه عباس به اروپا، شیری دیده می‌شود که بر روی دو پا بلند شده و زبان از دهان بیرون آورده و تاجی بالای سر دارد و خورشید نیمه طالع بر پشت شیر است.

محمدرضا بیگ سفیر شاه سلطان حسین به دربار لویی چهاردهم، در موقع رفتن به ورسای برای

ملاقات شاه فراتسه، پرچم ایران با مشخصات زیر در جلوی او در اهتزاز بوده است: روی این پرچم شیر ایستاده دیده می شود که دم علم کرده و خورشید در بالای سر او در آسمان دیده می شود. در دوره نادر شاه نیز نقش شیر و خورشید در روی پرچم وجود دارد.

در مینیاتوری که مربوط به جنگ نادرشاه و محمد شاه گورگانی پادشاه هند است، در دست سربازان پرچم‌هایی است، مثلثی شکل که زمینه آن سفید است و روی زمینه نقش شیری کشیده شده که دم علم کرده است و خورشید در پشت آن دیده می شود.

در دوره قاجاریه از آقامحمدخان سکه طلای پانصد تومانی در دست است که روی آن نقش شیر خوابیده با دم علم کرده دیده می شود که در پشت آن خورشیدی در حال طلوع است و به جای صورت خورشید نوشته شده یا محمد و در پائین یا علی. شکل (۲۱۵)

مسیو لوئی دویو در کتاب تاریخ ایران در خصوص بیرق عصر قاجار چنین می نویسد:

«یکی از شیوه‌های پادشاه ایران است که درفش‌های بسیار بکار می برد و بر این درفش‌ها دو نقش نگاشته می شود، یکی نقش ذوالفقار علی (حضرت علی(ع)) و دیگر صورت شیر خوابیده‌ای که خورشید از پشت او در می آید. این علائم به نشان‌هایی هم که شاه ایران به سپاهیان و سرکردگان نمایندگان اروپایی بنام نواختن ایشان می دهد منقوش است.»

در تصویر ورود حاج میرزا ابوالحسن شیرازی سفیر ایران به روسیه مشخصات زیر در روی پرچم دیده می شود.

در این تصویر سواری دیده می شود که پرچمی که روی آن نقش شیر و خورشید است در دست دارد، این پرچم چهارگوش و متن آن سفید و در وسط آن شیر ایستاده با شمشیر کشیده دیده می شود که خورشید نیمه پیدا بر پشت دارد و دم شیر افتاده است.

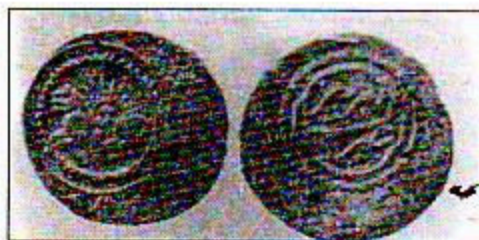
سرپرسی سایکس در جلد دوم تاریخ ایران عکس سکه‌ای از محمدشاه، نقل کرده، که یک طرف آن نوشته است، شاهنشاه انبیا محمد و طرف دیگر سکه، نقش شیر و خورشید را دارد.

نقش شیر و خورشید در بیرق، و سکه‌ها، در طول تاریخ مراحل مختلف داشته است.

۱- تقریباً تا اواخر قرن دهم هجری، خورشید به صورت تمام بر بالای پشت شیر و نه متصل به آن تصویر می شده است و در تمام موارد شیر ایستاده است.

۲- از قرن دهم هجری تا آغاز حکومت قاجاریه، شیر در همه جا ایستاده و صورت شیر گاهی به سمت چپ و گاهی به سمت راست ترسیم شده و خورشید از پشت شیر به صورت نیمه طالع برآمده.

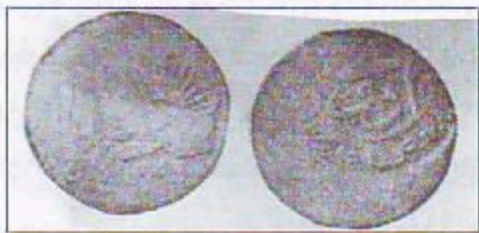
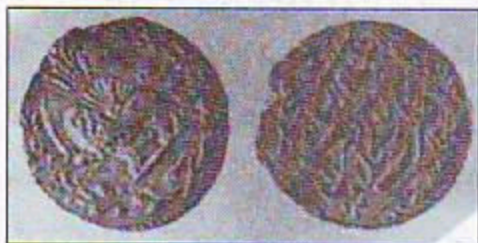
- ۳- در مرحله سوم که مقارن سلطنت آقا محمدخان و فتحعلیشاه است، در روی سکه‌ها و بیرق‌ها شیر نشسته است. شکل (۲۱۳-۲۱۴)
- ۴- در مرحله چهارم که دوران حکومت محمد شاه است، شیر ایستاده و شمشیری در دست دارد و خورشید نیز نیمه طالع بر پشت شیر دیده می‌شود. شکل (۲۱۸)
- ۵- در مرحله پنجم بعد از محمدشاه، به دلیلی که معلوم نیست نقش شیر نشسته در روی سکه‌ها دیده می‌شود. شکل (۲۱۶-۲۱۷)
- ۶- در مرحله ششم دوباره شیر را ایستاده می‌کشند که شمشیری هم در دست دارد. تا زمان فتحعلیشاه در ایران دو نوع بیرق بود که روی یکی تصویر ذوالفقار حضرت علی (ع) و دیگر تصویر شیر و خورشید بوده است. در زمان محمد شاه تصاویر این دو بیرق را ادغام می‌کنند یعنی روی پرچم شیر و خورشید ذوالفقار را به دست شیر داده‌اند تا حامی و حافظ استقلال ایران باشد.
- ناصرالدین شاه علامت شیر و خورشید را برای نقش روی سکه‌ها و بیرق‌ها به عنوان علامت اختصاصی دولت ایران تثبیت نمود.<sup>(۱)</sup>



شکل ۲۱۶. سکه فتحعلیشاه با شیر و خورشید

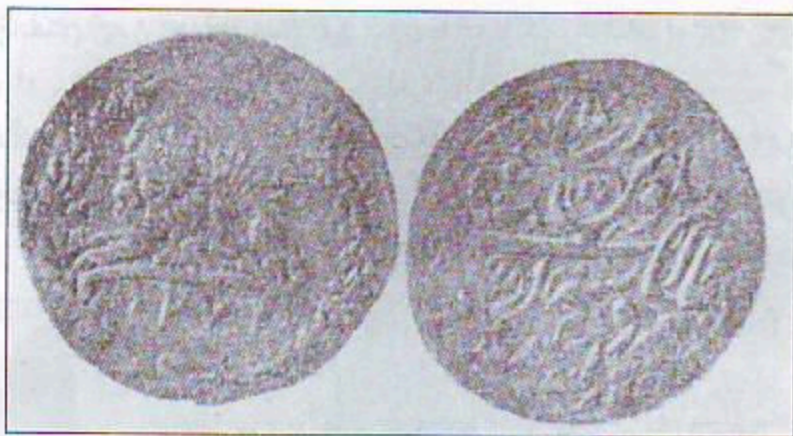


شکل ۲۱۵. سکه آقا محمدخان با شیر و خورشید



شکل ۲۱۸. سکه محمد شاه با تصویر شیروخورشید

شکل ۲۱۷. سکه فتحعلیشاه با تصویر شیر خوابیده



شکل ۲۱۹. سکه ناصرالدین شاه با نقش شیروخورشید



شکل ۲۲۰. سکه ناصرالدین شاه با نقش شیر خوابیده



## صنعت چوب در دوره قاجاریه

### صنعت چوب در دوره قاجاریه

در زمان قاجاریه بیشتر چوب، برای تهیه در و پنجره به کار می‌رفت و درودگری عبارت بود از ساختن درها و پنجره‌های معمولی برای منازل مسکونی، و درها و پنجره‌های شیشه‌دار که به صورت شبک ساخته می‌شد، برای ساختمان‌های اعیان و اشراف به کار می‌رفت. کار رنگ و روغن روی چوب، در زمان قاجاریه رواج پیدا کرد و سبک جدیدی به وجود آمد که زیاد دوام نداشت.

ساخت لوازم مختلف از چوب نیز در آذربایجان، کردستان، اصفهان و گیلان رایج بود که هنوز هم ادامه دارد.

تهیه ابزار و لوازم آلات موسیقی از چوب نیز متداول بود و برای این منظور بهترین چوبها را با حرارت ذغال تا حدودی خشک می‌کردند.

طرز عمل بدین ترتیب است که قطعات چوب را بین دو آجر می‌گذاشتند و روی منقلی از آتش قرار می‌دادند و روی آنرا کاملاً می‌پوشانیدند، پس از چندین ساعت، چوب خشک قرمز رنگی بدست می‌آمد که برای ساختن قسمتهای مختلف آلات موسیقی به کار می‌رفت.

شهر رشت به علت مجاورت با جنگل و دسترسی به انواع چوب، یکی از مراکز مهم خراطی و نازک کاری روی چوب است، ساختن گلدان و شمعدان و عصا و اشیاء نظیر آنها، از کارهای مردم این ناحیه بوده و هست. (۱)

ارومیه و سنندج نیز از مراکزی است که در هنر چوب سابقه طولانی دارد و آثار هنرمندان آنها که شامل تخته نرد و میز و جعبه‌های مختلف است، همواره پیشرفت این هنر در این نواحی است.

## منبت‌کاری

### منبت‌کاری

منبت‌کاری و حجاری یک منشاء و ریشه دارند، وسیله منبت‌کار چوب است و وسیله حجار سنگ.

معنی منبت از نبات می‌آید و این نام از آن زمان رایج گردید، که هنرمندان اشکال نباتات مختلف را روی چوب منعکس کردند.

هنر منبت از قدیمترین هنرهاست و قدمت آن به قدمت عمر انسان است. زیرا نخستین جلوه‌های ذوق و هنر بشری بر روی سنگها و چوبها نمایش داده شده و سنگ و چوب نخستین ابزارهایی است که بشر آنها را بکار گرفت و آنها را تغییر شکل داد. به هر حال آشنایی انسان با چوب و سنگ یک آشنایی دیرینه است.

یکی از استادان منبت‌کار قرن اخیر، احمد صنیعی است، او معتقد است که هنر منبت‌کاری در ایران نشیب و فرازهایی داشته و عصر صفوی دوران اوج هنر منبت‌کاری است.

منبت‌کاری امروز در ایران، ادامه روش دوره قاجار است، طرحهای دوره قاجار به شیوه غربی بسیار نزدیک شده و در این دوره اثر هنر استادان اروپایی به خصوص ایتالیایی و فرانسوی در کار منبت ایران مشهود است.

هنر منبت‌کاری ایرانی به همین علت، تا حدودی از اصالت خود دور افتاده، ولی با ریشه اصلی خود قطع رابطه نکرده است. البته هنرمندانی هم بودند و هستند که کاملاً اصالت این هنر ایرانی را حفظ کرده‌اند و تحت تأثیر روش غربی واقع نشده‌اند.

صنیعی می‌گوید که در موقع ساختمان کاخ مرمر من و مختاری به سرپرستی ۷۰ نفر از منبت‌کاران ورزیده، به ساختن درهای کاخ مشغول شدیم. در طبقه پائین ۷۰ جفت در و در طبقه بالا ۵۴ جفت در، منبت‌کاری از چوب گردو ساختیم و این کار مدت چهار سال بطوری کشیدیم.

درها با ظرافت کامل منبت‌کاری و در وسط هر در خورشیدی نقش شده که در متن آن نقش سلاطین ایران باستان چهره سازی و منبت گردیده است، پس از ختم کار که به نظر بینندگان بسیار عالی و ارزنده بود، شاه وقت به موسیو ماریو که رئیس اداره صناعت بود دستور داد، که در اصفهان هنرستانی دائر کند و از میان این هنرمندان، استادان، مورد لزوم را انتخاب نماید، من نیز یکی از انتخاب شدگان بودم که در هنرستان اصفهان مشغول خدمت گردیدم.

از منبت‌های قدیم ایران، آثار ارزنده‌ای باقی مانده، ولی بسیار معدود است و آثاری که باقیمانده بیشتر جنبه مذهبی دارد، از قبیل منبر و ضریح و صندوق مرقد امامان(ع) و یکی از علل وجود آنها، توجه خاص مردم مسلمان ایران به انجام مراسم مذهبی است.

نمونه‌های زیادی از آثار منبت‌کاری ایران در موزه‌های اروپا وجود دارد، که یک نمونه ارزنده آن صندوق مرقدی است به امضای دو استاد، یکی احمد نجار و دیگر حسن بن حسین که تاریخ آن ۸۷۷ هجری است.

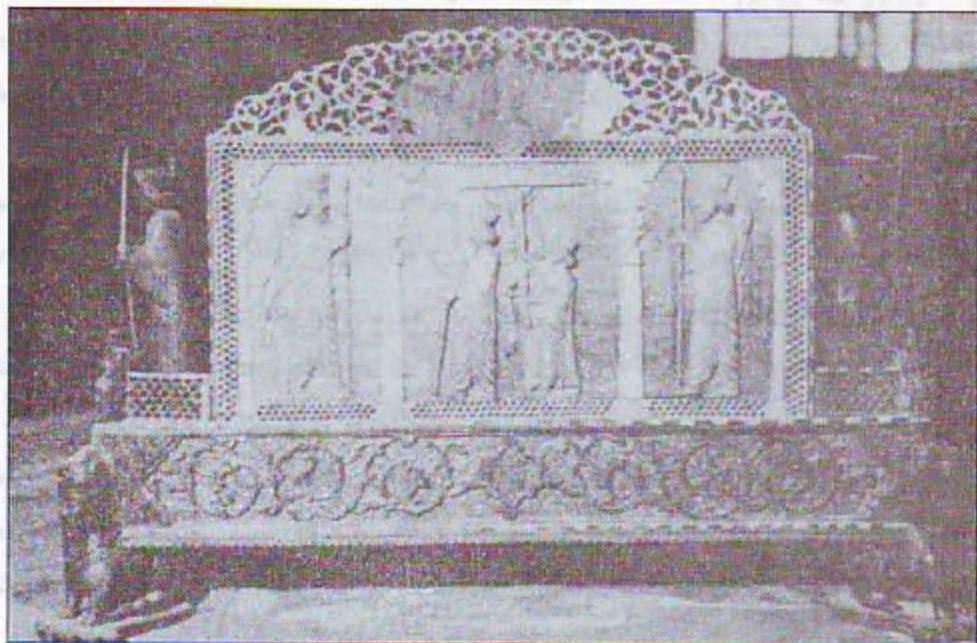
دو نمونه از آثار منبت‌کاری آقای صنیعی که بسیار زیبا و ظریف و معروف هنر و مهارت استاد است، در ضمن تصاویر کتاب به نظر خوانندگان محترم می‌رسد. (۱) شکل (۲۲۱-۲۲۲)

یکی دیگر از هنرمندان مشهور دوران اخیر، علی مختاری است که آثار او در موزه‌های داخل و خارج کشور وجود دارد. علی مختاری می‌گوید: به راستی کار سخت و شگفت است که بتوان با تکه آهنی نازک و کوچک در سینه سنگ و در دل چوب سخت، که صدها شیار و چین و شکن و گره دارد، رخنه کرد.

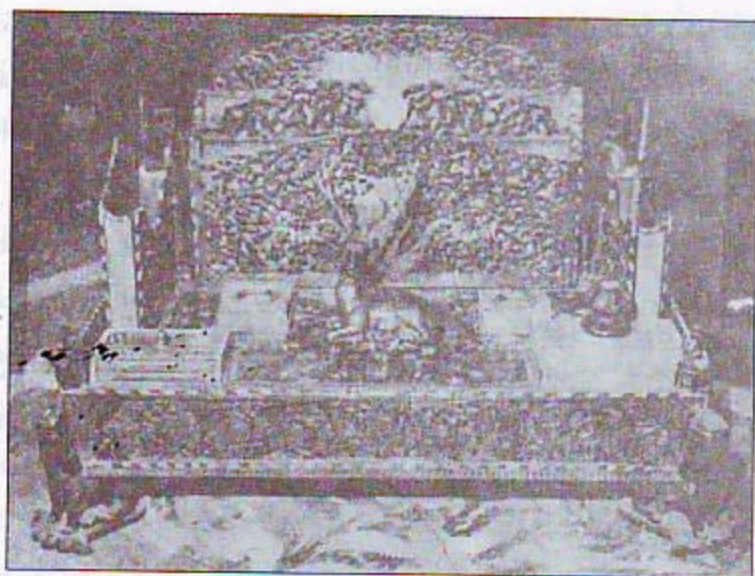
این کار را نمی‌توان گفت علم است یا صنعت است یا هنر، بلکه امتزاجی است از این سه پدیده، وقتی هنر منبت‌کاری را با نقاشی مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که یک نقاش برای خلق یک اثر با لوازم بسیاری که در اختیار دارد، نسبت به یک منبت‌کار دستش بازتر است، یک هنرمند نقاش با انواع رنگ‌ها، بوم، قلم‌مو، انواع روغن و لوازم دیگر اگر یک تابلو را تا نیمه کشید و نه پسندید می‌تواند با سینکا و رنگ سفید آنچه را که نقش کرده، محو کند و دوباره همان دورنما را آن‌طور که دلش می‌خواهد تصویر کند. اما یک هنرمند منبت‌کار چنین امکانی ندارد، منبت‌کار نه می‌تواند از امتزاج رنگها کمک گیرد و نه از نرمش و گردش و انعطاف قلم موی نقاشی، او فقط با یک قلم تراش باید برای یک تصویر، سینه چوب سینه را بکاود و با صبر و حوصله خطوط مورد نظر را به وجود آورد.

در آثار مختاری زیبایی و شباهت کامل اثر، با مدل اصلی، قابل توجه می‌باشد، کارهای او بسیار زیاد و متنوع است، نقش سه اثر او که شامل نقش ~~قره‌کوس~~ و ابوعلی سینا و یک شاخه گل است. برای آشنایی با هنر او عرضه می‌شود. (۲) اشکال (۲۲۳ تا ۲۲۵)

تصویر مختاری هنرمند معروف شکل (۲۲۶)



شکل ۲۲۱- از آثار منبت کاری، احمد صنیعی

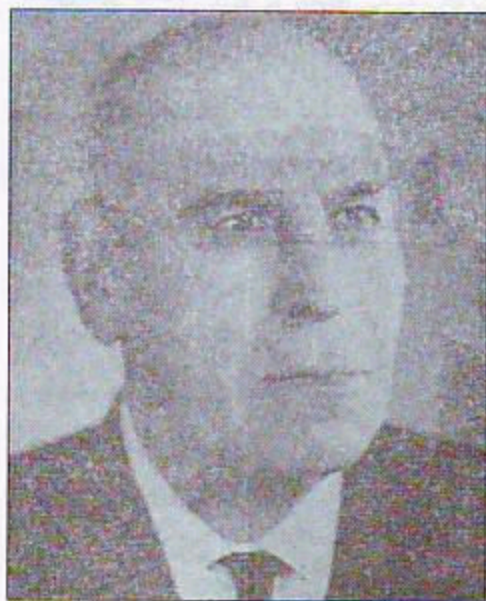


شکل ۲۲۲- از آثار منبت کاری، احمد صنیعی



شکل ۲۲۴. نقش فردوسی، کار مختاری

شکل ۲۲۳. نقش ابرعلی سینا، کار مختاری



شکل ۲۲۶. تصویر مختاری، از منبت کاران مشهور

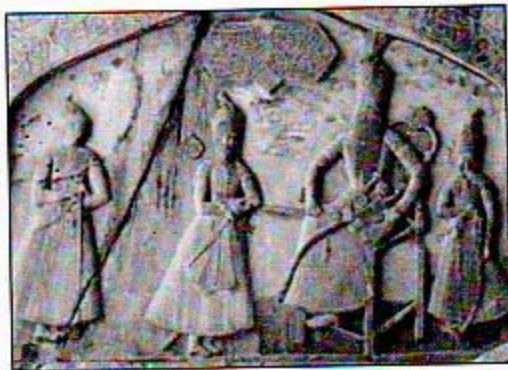
شکل ۲۲۵. نقش گل، از کارهای مختاری

## حجاری

### حجاری

حجاری به علت منع ساختن مجسمه انسان در آئین اسلام، برای جلوگیری از تجدید خاطره بت سازی و بت پرستی، ترقی نکرد، فقط نمونه‌های بسیار کمی از این هنر دیده می‌شود. در ادوار بعد از اسلام، صنعت سنگ تراشی بیشتر برای تهیه سنگ قبور و یا تراش سنگ برای ساختمانها بوده است. در سالهای اخیر به علت متداول شدن سنگ‌های مرمر در نمای ساختمانها و همچنین تزیین بنا با سنگ‌های سیاه و سبز و غیره، کارگاههایی جهت سنگ‌بری به وجود آمده، که اغلب دارای دو تا پنج ماشین سنگ‌بری است که سنگ‌های موزد نیاز ساختمانی را تهیه می‌کند. فتحعلیشاه مایل بود از حجاری‌های سلاطین ساسانی تقلید کند و نام خود را بر صفحه سنگ ثبت نماید، بدین منظور یکی از حجاری‌های دوره ساسانی را که در چشمه علی نزدیک تهران بود، محو کرد و دستور داد تصویر او و بعضی از پسرانش را روی سنگ نقش کنند، در نتیجه یکی از آثار هنری گذشته را از بین برد. کمی بالاتر از همان درّه در طرف دیگر قلعه قدیم ری، فتحعلیشاه دستور داد تصویر دیگری از او را حجاری نمایند، در این حجاری وی بر اسب سوار و با نیزه بلندی مشغول کشتن شیر است.

در غار بزرگ طاق بستان نزدیک کرمانشاه نیز تصویر فتحعلیشاه حجاری شده است. شکل (۲۲۷). بطور کلی هنر حجاری و مجسمه‌سازی در این ادوار ترقی محسوس و قابل ملاحظه نداشته است و هنرمندان سرشناس و معروفی به وجود نیامده‌اند.



شکل ۲۲۷. نقش شاه و پسرانش

فرش ایران گرچه یک کالای تجارتمی است، ولی با کمی دقت معلوم می‌شود که معرّف ظرافت طبع و هنر ظریف و خصوصیات اجتماعی و قومی مردم ایران است.

خصوصیات روحی نقاشان و بافندگان که بطور تحقیق تحت امکانات زمانی و مکانی واقع است، تاثیر اساسی در بافت و نقشه‌های فرش‌های متنوع رنگارنگ ایران دارد. مردم کوهستان که دارای روحیه و طرز تفکر خاص هستند، نقشه و بافت فرشهای آنها با مردم دشت اختلاف دارد و به طوری این عواطف و افکار در کار آنها مؤثر است، که متخصصان فن از طرز بافت و رنگ و نقش، تا حدودی افکار اجتماعی و خصوصیات روحی بافندگان را تشخیص می‌دهند، و در حقیقت می‌توان گفت که فرش ایران، آیینه‌نمای افکار و احساسات مردم ایران است.

دو کلمه قالی و ایران همواره در کنار یکدیگر به چشم می‌خورد و شاید بتوان گفت که قالی‌های بافته شده در این سرزمین بوده، که نام ایران را با خود به دورترین نقاط جهان برده است. گذشته از این که فرشهای گرانبهای ایران زینت بخش موزه‌های جهان است، نزد مردم کشورها هم موقعیت و ارزش خاص دارد و چه بسیارند خارجیانی که به داشتن یک قالی ایرانی افتخار می‌کنند.

فرش‌های ایرانی را، سه صفت مهم مشخص می‌سازد ظرافت - زیبایی - دوام و این هم نتیجه زحمات هنرمندانی است که اندیشه آنها به صورت رنگهای زیبا و طرح‌های دلپسند بر روی سطوح قالی‌ها نقش می‌گردد، اما متأسفانه بیشتر آثار هنری بافندگان از توجهی که شایسته آن است، محروم مانده و در نتیجه بسیاری از قالی‌های ظریف و کم‌نظیر، با گذشت زمان از بین رفته، ولی همین نمونه‌هایی که باقیمانده است روح خلاق و مهارت هنرمندان ایرانی را نشان می‌دهد.

در دوران قاجاریه صنعت قالی باقی از لحاظ بازرگانی و صدور به کشورهای اروپا دوباره رونق گرفت و تجار خارجی متوجه این کالا گردیدند و به استفاده از شهرت قالی‌های ایران، سفارشهایی برب سلیقه و تقاضای بازارهای اروپا، به کارگاههای ایران می‌دادند. در ضمن شاهزادگان و درباریان بر حسب ذوق و نظر خود، برای زیبایی کُنخها و منازل، نقشه‌هایی با کمک استادان وقت که غالب آن نقشه‌ها، ریشه عصر صفوی داشت، در اختیار بافندگان قالی می‌گذاشتند، که فرش‌های مورد

نظر آنها را بیافند.<sup>(۱)</sup>

با تأسیس سلسله قاجاریه و تحکیم موقعیت سیاسی ایران، فرصت تجدید حیاتی هم به صنعت قالی باقی داده شد و سه تن از پادشاهان این سلسله فتحعلیشاه، ناصرالدین شاه، و مظفرالدین شاه، نقش مؤثری در تجدید حیات هنری ایران داشته‌اند.

در دوران قاجاریه مردم علاقه و توجهی خاص به قالی‌بافی و تجارت قالی پیدا کردند و در نتیجه کارگاههای زیادی در شهرهای مختلف به وجود آمد که علت آن بیشتر توسعه تجارت خارجی و صدور فرش به خارج از کشور بوده است.

رموز فن و روش تهیه و مواد و مصالح لازم برای قالی‌بافی، همیشه ثابت بود ولی در طرح و نقش قالی تغییرات زیادی در عصر صفویه پیدا شد و طراحانی که در این دوره مورد تشویق سلاطین قرار گرفتند، با ترکیب نقش‌های گذشته، یک سلسله طرحهای عالی، از گل و بوته و نقش حیوان به وجود آوردند و آنها را چنان تثبیت کردند، که در دوران قاجاریه هم مورد تقلید و استفاده هنرمندان قالی باف قرار گرفت.

البته بنا به تقاضای خریداران سرشناس و رجال و درباریان، تغییرات جزئی در طرحها پیدا شد که به آن اشاره می‌شود.

در دوران قاجاریه قالی ایران به میزان قابل توجهی به خارج صادر گردید و بیشتر تجار تبریزی وسیله این کار بودند و تجارتخانه‌هایی در اسلامبول و سایر شهرها داشتند، که به وسیله آنها فرش ایران در بازارهای جهان توزیع می‌شد.<sup>(۲)</sup>

این تجار، نمایندگان داشتند که قالی‌های کهنه و عتیقه را از صاحبان آنها خریداری می‌کردند و به تبریز می‌فرستادند و در آنجا قالی‌ها را پس از عدل‌بندی، با کاروان شتر به طرابوزان می‌فرستادند. مرکز خرید و فروش، اسلامبول بود که همه خریداران امته مختلف، در آنجا گرد می‌آمدند، قالی‌ها نیز در آنجا به خریداران انگلیسی و فرانسوی و دیگران فروخته می‌شد.

بزرگترین مراکز قالی‌بافی در زمان قاجاریه بشرح زیر بوده است:

۱- اراک، قالیهای بافت این ناحیه به چهار طبقه تقسیم می‌شد. ساروق - محال - مشیرآباد و

لیلاهان.

۱ - ایرانشهر، جلد دوم، ص ۱۸۸۲.

۲ - میراث ایران، تألیف ا. س. - ادوارد، ص ۳۹۷.



۲- **فراهان**، قالی‌های فراهان زمینه آن سرمه‌یی و کرک کوتاه داشت و دو نقش آن معروف است به نقش ماهی و نقش گلخانه.

۳- **کاشان**، در دوران صفویه، کاشان مرکز بافت بهترین فرش‌های ابریشمی بود، ولی پس از صفویه اشتهار خود را از دست داد، اما در عصر قاجار دوباره کاشان محل بافت بهترین قالی‌های ایران گردید. قالی‌های کاشان دارای کرک کوتاه و نقش ترنجی در وسط و لچک‌هایی در گوشه‌ها است.

۴- **کرمان**، طرح و نقش قالی‌های آن عبارتست از درخت زندگی که گاهی در گلدان قرار داده‌اند و در بعضی از طرح‌ها، نقش حیوانات نیز دیده می‌شود. معمولاً قالی‌های کرمان دارای کرک بلند است.

۵- **شیراز**، قالی‌های معروف شیراز بیشتر به وسیله قبایل قشقایی و چادرنشینان دیگر بافته می‌شود.

۶- **همدان**، در همدان و دهات اطراف آن، قالی‌های زیادی بافته می‌شود و در قدیم در این ناحیه قالی‌هایی می‌بافتند که از پشم شتر بوده است.

۷- **کردستان**، در گروس و بیجار قالی‌هایی که تار و پود آن از پشم است، بافته می‌شود و بیشتر نقش‌ها هندسی است.

۸- **آذربایجان**، صنعت قالی‌بافی همیشه در این ناحیه رواج و اشتهار خاص داشته است و همه نوع طرح و نقش در آذربایجان بافته می‌شود، ولی نقشه مخصوصی نیست که بتوان آن را نقشه تبریز گفت.

۹- **هریس**، قالی‌های هریس از بهترین قالی‌های آذربایجان است، این قالی‌ها بسیار ضخیم و پردوام و زمینه آن قرمز روناسی است، طرح و نقش این قالی‌ها بیشتر هندسی و رنگ فرش‌های نباتی است. (۱)

در قالی‌بافی دو نوع گره معمول است: فارسی باف و ترکی باف. در فارسی باف گره خامه پشمی به وسیله انگشتان بافته زده می‌شود و در ترکی باف گره را با قلاب می‌زنند. (۲)

دستگاه قالی‌بافی بسیار ساده و از چهار ~~تیر~~ ~~تیر~~ تشکیل می‌شود که به صورت مستطیل و یا مربع است مصالح کار عبارتست از ۱- چله (تار) که شامل نخ‌های پنبه‌یی یا پشمی و یا ابریشمی است که به صورت عمودی در روی کارگاه کشیده می‌شود.

۱- تاریخ صنایع ایران، کریستی ویلسن، ترجمه عبدالله فریار، ص ۲۱۶-۲۱۷.

۲- خامه (پشم) رنگین که طبق نقشه روی چله‌ها گره زده می‌شود.

۳- بود - عبارتست از نخ تابیده پنبه‌یی که در عرض دستگاه، لای تارهای زیرین قرار می‌دهند. بافندگان طبق نقشه‌ای که طراح، روی کاغذ شطرنجی رنگ آمیزی کرده است کار خود را انجام می‌دهند.

## انواع فرش

فرشهای ایران، شامل فرشهایی است که در شهر و یا به وسیله ایلات و عشایر بافته می‌شود، فرشهای شهری که در صفحات گذشته به آن اشاره کردیم، بافندگان با نقشه و طرح خاص شهر خود، قالی می‌بافند.

فرشهای ایلاتی مانند ترکمن - بلوچی - افشاری - قشقایی و بختیاری، که چادرنشینان به بافت آن اشتغال دارند، بیشتر نقش‌ها هندسی است.

## طراحان فرش (نقل از مجله هنر و مردم)

بطوری که می‌گویند، بهترین طراح فرش در حال حاضر رسام عرب‌زاده است که به شرح کارها و طرح‌های او می‌پردازیم. یکی از کارشناسان فرش چنین می‌نویسد:

«در محاصره فرشها بودیم این طرف فرش شاهنامه آن طرف تصویر گنبد سلطانیه و مناره‌های آن، اگر می‌شد ریشه‌های فرش را از دو سو ببری چنان بود که هیچ خبره‌ای نمی‌توانست بگوید تابلوی نقاشی است یا فرش حاصل ده‌ها هزار گره».

«در این دوره وانفسای فرو ریختن ارزشهای هنری اگر کسی را بتوان پیدا کرد که به معنای واقعی عاشق، پاسدار و ادامه دهنده هنر طراحی، رنگ آمیزی و بافندگی فرش ایران باشد عرب‌زاده است.»

دیگر از طراحان فرش در ایندوره، رشید آقا خیام، عماد و حجازی هستند.

فرشچیان، مینیاتورست معروف درباره عرب‌زاده می‌گوید.

«درست در زمانی که توجه صرف به تجارت، شتابزدگی و بی‌التفاتی به ارزش‌های هنری و شهرت فرش ایران و جهانی بودن، به سرعت دارد این هنر را از سکه می‌اندازد. هنرمندی را می‌بینیم که تمام وقت و زندگی و ذوقش را گذاشته تا نشان دهد هنوز هم می‌شود با طراحی‌های زیبا و رنگ‌ها روح نواز و بافت ظریف، فرشهایی بافت که از هر نظر با فرش‌های عصر صفوی برابری کند.»

عرب‌زاده تنها روی فرش شاهنامه ۹ سال کار کرده است و در این نه سال این فرش با بیش از دو

میلیون گره در شمار شاهکارهای هنر فرش بافی ایران قرار گرفته است.

عرب زاده می گوید اولین تابلویی که بافتم حمله سلطان محمود غزنوی به سومنات بود. این تابلو هفتاد و دو صورت مینیاتور دارد و رنگهایی که من در آن تابلو به کار بردم، تا آن زمان در هنر فرش بافی بی سابقه بود.

من سعی کرده ام، تشعیر را که مشکل ترین ریزه کاری روی مینیاتور است، با گره های قالی که گاهی باید با یکی از آنها قسمتی ریز از بدن پرنده ای را نشان داد، در روی قالی پیاده کنم، منتهی در تمام این مدت و در تمام قالی ها کاری کرده ام که وجه تمایز هنر قالی بافی ایران حفظ شود.

استاد شهریار شاعر معاصر، وقتی نمایشگاه فرشهای هنری عرب زاده را می بیند قصیده ای می سراید که به قسمتی از آن اشاره می شود.

|                               |  |
|-------------------------------|--|
| عرب زاده طراح قهّار فرش       | نبوغ شگفتی است در کار فرش                |
| به نقش است قاهر که مقهور اوست | دگر لوله شد هرچه طومار فرش               |
| هنر خود از این دست سحر آفرین  | از او مانده در نقش سخّار فرش             |
| تو هم گرکه شورت به سر زد بیا  | تماشا کن این شور سرشار فرش               |
| عرب زاده، فرش فروشیش نیست     | که دل بسته در بود و در تار فرش           |
| گل فرش او بسته با جان اوست    | که خود بلبل است او به گلزار فرش          |
| ز تبریز سردار و سالار خیز     | عجب نیست سردار و سالار فرش               |
| تو گوئی که هر قطعه نقاشی است  | نشانیه بر نطع هموار فرش                  |
| دو اثر به زیبایی مینیاتور     | بگردم به دور تو پرگار فرش                |
| تو این غرفه گنجیه فرش خوان    | به بازاریان بخش انبار فرش <sup>(۱)</sup> |

نوع پشم گوسفندان ایران نقش مهمی در تکامل و زیبایی هنر فرش بافی داشته است، زیرا آفتاب، پشم گوسفندان را بصورتی نرم می آورد که پس از بافت هیچگونه تغییر شکل و وضع نمی دهد در صورتی که بعضی از پشم ها، پس از مدتی روی هم خوابیده و قالی شکل نمید پیدا می کند شهرهایی که محصول پشم آنجا برای بافت فرش مناسب است عبارتست از:

کرمان - خوی - ماکو - سبزوار - کرمانشاه - خرم آباد

در گذشته پشم های مخصوص بافت فرش، با محصولات نباتی مثل روناس - برگ مو - اسپرک -

پوست انار - پوست سبز گردو - پوست بلوط - مازو - برگ چنار - برگ سیب و گلابی رنگ آمیزی می‌گردید، ولی متأسفانه رنگ‌های شیمیایی که امروز مورد استعمال دارد، از ارزش فرش‌های ایران کاسته است.<sup>(۱)</sup>

در این اواخر، فرش‌های ماشینی به بازار آمده و به علت ارزانی، رواج پیدا کرده است، البته از طرح‌های ایرانی بوسیله تولیدکنندگان، در خارج کشور تقلید شده است ولی روح و اصالت این هنر قابل تقلید نیست.

در دوران قاجاریه بطوری که اشاره کردیم، تجارت خارجی فرش کامل پیدا کرد و سفارشات از خارج به کارگاه‌های ایران داده می‌شد که تهیه و صادر می‌گردید.

شاهزادگان و درباریان هم برحسب ذوق و سلیقه خود نقشه‌هایی طرح و به بافندگان می‌دادند که این نقشه‌ها کم‌کم مورد توجه دیگران نیز قرار گرفت و بنام سفارش دهندگان مشهور گردید.

از جمله نقشه‌های معروف - مستوفی - فراهانی - ظل‌السلطانی - میری - امین‌الدوله‌ای. شکل (۲۲۸-۲۲۹)

در پایان اظهار نظر کریستی ویلسن درباره فرش ایران اشاره می‌شود.

«قالی خوب ایران مانند قطعه شعر زیبایی است که بافنده آن مانند شاعر، جمال طبیعت را ترجمه و بصورت شیشی زیبا درآورده که هم قشنگ است و هم قابل استفاده».<sup>(۲)</sup>

صنعت قالی بافی امروز به علت گرانی مزد کارگران هنرمند قالی‌باف و عدم توجه به خوبی رنگ و پشم، پیشرفت زیادی ندارد و خریداران فرش هم، نسبت به گذشته به علل زیر کمتر شده‌اند:

۱- تعداد اطاقهای خانه محدود است.

۲- استفاده از فرشهای ماشینی ارزان قیمت و موکت

۳- ترس از سرقت و آتش سوزی

۴- مشکلات نگاهداری فرش (نبودن خدمتگزاران سابق)

۵- رقابت ترکیه و افغانستان با ایران، زیرا قالی‌باقان کشورهای مذکور، مزد کمتری دریافت می‌دارند و در نتیجه می‌توانند فرش را با قیمت کمتری به بازار عرضه نمایند.

۱ - ایران‌شهر، جلد دوم، ص ۶۸۸۶.

۲ - تاریخ صنایع ایران، کریستی ویلسن، ترجمه دکتر فریار، ص ۲۱۶.